

او با بیان این که انتخابات به شرطی انتخابات است که منشأ تغییر باشد گفته روش اصلاح طلبانه یعنی مسیر انتخابات و نهایتاً مقاومت منفی.

سیدحسن خمینی در دیدار با جمعی از اعضای حزب همبستگی؛



سیدحسن خمینی در دیدار با جمعی از اعضای حزب همبستگی اظهار داشت:

مرحوم آقای مطهری جمله لطیفی دارد که می‌گوید «آفت روحانیت ما عوام‌زدگی است» چرا که روحانی بالای منبر می‌رود و مردم یا باید به او اقتدا کنند یا وجوهاتی بدهند و این ممکن است باعث ایجاد حالتی در روحانیت شود که مطابق ذوق شنوندگانش سخن بگوید لذا این آفت روحانیت است که به خاطر مرید گرفتار خودسانسوری شود.

به گزارش اسپادانا خبر و به نقل از جماران، او گفت:

امروز روشنفکران و کنشگران ما حرفشان را نمی‌زنند بلکه موضع‌گیری‌ها به خاطر کامنت و لایک گرفتار خود سانسوری شده است.

وی همچنین گفت:

هرچه اکثریت می‌گویند باید عمل شود گرچه ممکن است غلط باشد. هر کس باید حرفش را بزند و وقتی از زندان و داغ و درفش نمی‌ترسد نباید از فحش و فضیحت هم بترسد و آلا این ترس به اندازه همان ترس غلط است.

او ادامه داد:

در جریان وقایع سال قبل هرکسی حتی سردمداران آن حرکت‌ها وقتی آمدند تا یک جریان اثباتی ایجاد کنند، ضربه دیدند و از بین رفتند یعنی تا وقتی فحش می‌دادند برای آنها هورا کشیده می‌شد اما وقتی خواستند طرح و ایده‌ای را بسازند، نتوانستند. یکی از شاخصه‌های انقلاب اسلامی این است که در مدت زمان کوتاهی نظام قبل را خراب کرد و سپس نظام جدید را ساخت چون قاطبه جامعه امام را قبول کرده بودند. بدانید که ساختن بهتر از نساختن است؛ یک بنایی بسازید چون روی یک بنای ساخته با تمام ایرادات احتمالی، می‌توان زندگی کرد اما با فقط خراب کردن، چیزی باقی نمی‌ماند. لذا فردای خراب کردن ممکن است اهدافی چون تجزیه‌طلبی مطرح شود. روش اصلاح طلبانه یعنی برای رسیدن به هر نظری که داریم از مسیر انتخابات و نهایتاً مقاومت منفی استفاده می‌کنیم و به سمت خشونت، براندازی، جنگ، نزاع و کودتا نمی‌رویم اما در عین حال بدانیم که «روش اصلاح طلبانه» همه هویت اصلاح طلبی نیست چرا که جریان رادیکال هم می‌تواند روش اصلاح طلبانه داشته باشد. یعنی برای اجرای یک برنامه و اندیشه افراطی از روش اصلاح طلبانه استفاده کرد.

وی گفت:

ما در سالهای پس از انقلاب اگر گل خورده‌ایم گل هم زده‌ایم. کدام یک از وقایع تاریخی، نمادهای تاریخ و انسان‌های بزرگ «صد درصدی» و بی نقص بوده‌اند؟ غیر از معصومین که ما عصمت آنها را قبول داریم. آن وقت شما فقط روی آن ۱۰ درصد

غلط دست می‌گذارید؟ در دنیایی که همه ۱۰ درصد هستند، داشتن یک ۹۰ درصد بی نظیر است ولی متأسفانه برخی از ما از آن ۹۰ درصد دفاع نمی‌کنیم. به نظر من بحران بزرگ در طول سال‌های زیاد این بود که بین دو گزاره اشتباه گرفته‌ایم. فکر کردیم هرچه مردم می‌گویند درست است؛ نه، هرچه مردم می‌گویند باید اطاعت شود ولو غلط باشد ولی اگر باید اطاعت شود، نباید بگویم درست است، اگر غلط است باید بگویم غلط است. اکثریت مردم هرچه می‌گویند باید حکومت کند ولی اگر از نظر من غلط باشد. ملاک اطاعت اکثریت است که تجربه بشر نشان داده این کم‌هزینه‌ترین راه است. انتخابات به شرطی انتخابات است که منشأ تغییر باشد و الا انتخابات، انتخابات نیست. انتخابات فقط وقتی است که مردم احساس کنند اگر زید بیاید زندگی آنها فرق می‌کند با اینکه عمرو بیاید. اگر قرار باشد هیچ تغییری نشود، جامعه چرا باید رأی بدهد؟ قرار است رأی بدهید که در زندگی شما تأثیر داشته باشد. فرض کنید بگویند اگر این آقا شهردار شود شهر من بهتر اداره می‌شود و اگر او شهردار شود شهر من خراب می‌شود؛ عقل من اقتضا می‌کند که به این رأی بدهم. اگر انتخابات بتواند منشأ تغییر شود، هر عقلی می‌گوید که شرکت کنم اما اگر انتخابات منشأ تغییر نباشد، وضع عراق پیش می‌آید که هیچ فیلتری در انتخابات وجود ندارد و قانون انتخابات شان مثل سوئد است و حتی سهمیه ویژه به زنان داده اند اما در آخرین انتخابات آنها درصد کمی از واجدین شرایط هم شرکت نکردند. برای اینکه مردم عراق می‌گویند هر کدام از اینها که سر کار بیایند هیچ فرقی در زندگی ما ندارد؛ و از دید آنها همه گزینه ها فاسد هستند.

برچسب ها: [انتخابات](#) [1]

[اصلاحات](#) [2]

[براندازی](#) [3]

[اعتراض](#) [4]